

مؤلفه	مونتایونه، - ۱۸۷۷م.
عنوان و نام پدیدآور	Montabone ایران عصر قاجار از دید مونتایونه عکاس ایتالیایی/ گردآورنده مؤلفه؛ با گفتاری از شهریار عدل، محمد ستاری؛ مترجم منصوره دهقان سلمانی.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۸۲ ص.؛ محور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۱-۲۴-۵
پانداخت	انگلیسی- فارسی.
پانداخت	ص.ع. به انگلیسی
پانداخت	Mojgan Tarighi. Iran during the Qajar dynasty.
موضوع	عکس‌ها -- ایران -- الیوم
موضوع	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۲۲۲ق -- عکس‌ها
شناسه افزوده	تاریخی، مؤلفه، ۱۳۴۱ -- گردآورنده
شناسه افزوده	دهقان سلمانی، منصوره، ۱۳۴۷ -- مترجم
شناسه افزوده	عدل، شهریار، مقدمه نویسنده
شناسه افزوده	ستاری، محمد، مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره	DSR ۵/۱۳۱۲/۸الف-۱۳۹۰
رده بندی دویی	۷۴-۲۲۲۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۰۹۱۱۰
تاریخ درخواست	۲۰/۰۴/۱۳۹۰
تاریخ پاسخگویی	۲۷/۰۴/۱۳۹۰
کد پیگیری	۲۴۰۸۰۴۲

ایران عصر قاجار از دید مونتایونه عکاس ایتالیایی

گردآورنده: مؤلفه تاریخی
با گفتاری از: شهریار عدل، کارلو چرتی، محمد ستاری
مترجم: منصوره دهقان سلمانی
مدیر هنری: مهدی وثوق نیا
صفحه آراء: مسعود یزدان مهر
اسکن عکس‌ها: لیتوگرافی کحالی
با سپاس از: هرمان واهرامیان
نظارت چاپ: محسن ضیغمی
لیتوگرافی: فرآیند گویا
چاپ اول: ایبانه ۱۳۹۰
صحافی: سیمرغ
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۱-۲۴-۵
ناشر: انتشارات فرهنگسرای میردشتی



تهران: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، ابتدای خیابان وحید نظری
مجتمع تجاری نادر، طبقه اول، تلفن: ۲۰۶۶۱۹۰ - فکس: ۶۶۴۹۱۹۶۸
مشهد: چهارراه لشکر بطرف میدان ده دی، پاساژ دیدنیها
تلفن: ۰۵۱۱-۸۵۴۴۹۵۱ - فکس: ۰۵۱۱-۸۵۱۴۷۶۱

آدرس اینترنت: Email: info@fmirdashti.com - www.fmirdashti.com

* هر گونه استفاده از مطالب و عکس‌ها تنها با کسب مجوز از ناشر مجاز است.

فهرست

۹ پیش‌گفتار / مژگان طریقی

۱۰ دیباچه / شهریار عدل

۱۱ سفر هیئت دیپلماتیک ایتالیا به ایران در سال ۱۸۶۲ / کارلو چرتی

۱۲ لوییجی مونتابونه / محمد ستاری

عکس‌ها

۲۱ تهران

۸۳ تبریز

۱۰۵ زنجان

۱۲۱ قزوین

۱۳۷ کردستان

۱۴۱ تفلیس

پیش‌گفتار

ایرانیان در همه جای دنیا همیشه ایرانی و عاشق ایران هستند. در بهمن ماه سال ۱۳۸۶ نامه و کتابی از هرمان واهرامیان هنرمند ایرانی - ارمنی ساکن شهر میلان، در کشور ایتالیا به دستم رسید. همین امر افتخار آشنایی با ایشان را برایم به همراه داشت. آقای واهرامیان چندی بعد با ارسال ۷۱ قطعه اسلاید ۶x۶ سانتی متر از آثار «لوییجی مونتابونه»، عکاس ایتالیایی اهل تورینو، شگفت‌زده‌ام کرد. مونتابونه در دوره ناصرالدین‌شاه به ایران سفر کرده و آلبوم عکس رهاورد سفر را به پادشاه قاجار هدیه داده بود. بعد از دریافت اسلایدها بر آن شدم این آثار ارزشمند را به همراه مطالبی راجع به این عکاس ایتالیایی به چاپ برسانم. کار آسانی نبود، تصمیم اولیه را گرفتم و مثل همیشه پس از مشورت و همفکری با دوستان خوبم، دکتر محمد ستاری و مهدی وثوق‌نیا، که همیشه همراهی‌ام می‌کنند قدم اول را برداشتیم. موضوع چاپ کتاب را با آقای واهرامیان هم در میان گذاشتم، ضمن استقبال بسیار گفتند تمامی هزینه‌های کپی‌برداری و کپی‌رایت را پرداخت کرده‌اند و از نظر حقوقی و قانونی، برای چاپ کتاب معنی وجود ندارد. پس از تحقیق متوجه شدم از آلبوم مزبور که شامل ۷۱ قطعه عکس از مونتابونه است با اندک تفاوتی در عکس‌ها، سه آلبوم وجود دارد که دو نسخه آن با ۶۲ قطعه عکس در کاخ گلستان است و آلبوم سوم در موزه مارچیانای ونیز نگهداری می‌شود. در دو آلبوم موجود در کاخ گلستان عکسی از بانوان موجود نیست در حالی که در آلبوم ارسالی از سوی آقای واهرامیان چهار عکس از بانوان مشاهده می‌شود که سه تن از آنها ایتالیایی و یک نفر از بانوان ارمنی اهل تفلیس است. عکس‌های دیگر مضامینی چون مناظر شهری فرهنگ اجتماعی مردم، بناهای تاریخی و مرمت و بازسازی بناها و پوشش مردم، سلسله‌مراتب اجتماعی و طبقاتی مردم و مشاغل گوناگون و فضاهای مختلف نشانگر ارزش و رتبهٔ شغلی و خانوادگی به تصویر کشیده شده‌اند. برخی از عکس‌ها به شیوهٔ هنرمندانه‌ای رنگ شده‌اند که به اصطلاح به آن «دست‌رنگ» می‌گویند، در آلبوم پیش روی، این گونه عکس‌ها هم به صورت سیاه و سفید و هم رنگ شده وجود دارند.

امیدوارم این کتاب بتواند مرجع مفیدی برای دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ عکاسی باشد.

در آذر ماه ۱۳۸۸ آقای واهرامیان روی در نقاب خاک کشید. متأسفانه اجل مهلت نداد کتابی را ببیند که خود اولین بانی در نشر آن بود. یادش به خیر و روانش شاد باد.

مژگان طریقی

رییس موزه عکسخانه شهر

دیباچه

عکاسی به صورت داگرنوتیپی در سال ۱۸۳۹ میلادی همزمان با سلطنت محمدشاه قاجار در پاریس عرضه شد. خبر این اختراع حدود چند ماه بعد به ایران رسید و شاه و رجال کشور مشتاق این هنر شدند. به درخواست محمدشاه، دولت‌های روس و انگلیس اسباب عکس داگرنوتیپی را به ایران فرستادند.

دستگاه روس‌ها، که هدیه امپراتور بود، زودتر رسید. نیکلای پاولوف دیپلمات جوان روس، که به این منظور تعلیم عکاسی دیده بود، این اسباب را به تهران آورد و در تاریخی که در ادامه قید می‌شود نخستین عکس ثبت شده در تاریخ ایران را در حضور محمدشاه برداشت. کمی بعد سه دستگاه داگرنوتیپ در تهران وجود داشت در حالی که در اغلب کشورهای جهان هنوز عکاسی متداول نشده بود. توجه به عکاسی ناشی از قابلیت این رسانه برای ثبت تصاویر واقعی بود؛ وظیفه‌ای که تا قبل از آن در انحصار نقاشی بود.

عکاسی در ایران بخت بلندی داشت و در دوران ناصر می‌توانست در میان بهترین‌ها در جهان جلوه کند. هم‌اکنون آلبومخانه کاخ گلستان، که یادگار دوران قاجار است، شاید در یک‌دست بودن و قدمت در دنیا یک رقیب بیش‌تر نداشته باشد که مجموعه پادشاهی بریتانیاست. برای نگارنده این سؤال مطرح بود که چگونه بین معرفی عکاسی به صورت داگرنوتیپی در سال ۱۸۳۹ م / ۱۲۵۴ ق / ۱۲۱۸ خ در پاریس و نخستین عکسبرداری در ایران، در اواسط دسامبر ۱۸۴۲ / اواسط ذی‌قعدة ۱۲۵۸ / پایان آذر (قوس) ۱۲۲۱، توسط نیکلای پاولوف کم‌تر از سه سال گذشته است، حال آن‌که نیم‌قرن بعد، طبق اسنادی که تا این اواخر به دست آمده است، فاصله بین معرفی سینما در سال ۱۸۹۵ م / ۱۲۷۴ خ در پاریس و آشنایی و فیلمبرداری در یک چهارچوب ایرانی - آن هم در اروپا - به پنج سال می‌رسد؟

جواب این سؤال را در ضعف دستگاه مظفری و کشور در مقایسه با گذشته، ملایمت فطری شخص مظفرالدین‌شاه، ناآگاهی و بی‌توجهی مردم و عدم احساس مسئولیت از سوی ایشان می‌توان یافت. همچنین می‌توان پذیرفت که اگر ناصرالدین‌شاه در ۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۶ م / ۱۲۷۴ خ به قتل نرسیده بود، فیلم سینما و دوربین فیلمبرداری در همان سال‌ها به طهران می‌رسید و شاید رشد سریع‌تری از همان ابتدا پیدا می‌کرد ولی چنین نشد.

و اما در مورد لوییجی مونتائونه باید گفت که وی چهارمین عکاس اهل کشور ایتالیا است که در ایران دوره ناصری عکس انداخته است. قبل از وی به ترتیب فوکه تی (Focchetti) و لوییجی پشه (Luigi Pesce) افسران ایتالیایی که در مدرسه دارالفنون به تدریس پرداختند و سپس آتونیو جیانوزی (Giannuzzi) در کشور ایران عکاسی کرده بودند. این کتاب به بررسی برخی از آثار لوییجی مونتائونه می‌پردازد.

دکتر شهیار عدل

سفر هیئت دیپلماتیک ایتالیا به ایران در سال ۱۸۶۲^۱

ایتالیا در بین سال‌های ۱۸۴۸-۱۸۶۶ سه جنگ استقلال‌طلبی را پشت سر گذاشت و موفق به ایجاد یک کشور متحد شد و در هفدهم مارس ۱۸۶۱ موجودیت خود را اعلام کرد. پایتخت ایتالیا ابتدا از تورینو به فلورانس منتقل گردید و پس از تصرف رم در سال ۱۸۷۰ به آن‌جا منتقل شد. در همان سال‌ها بود که ارتباط بین پادشاهی قاجار و حکومت پادشاهی ساردنی رو به فزونی نهاد، تا حدی که در سال ۱۸۶۲ به دستور پادشاه ایتالیا ویتوریو امانوئل دوم (۱۸۲۰-۱۸۷۸) هیئت دیپلماتیکی با ریاست مارسلو چروتی به ایران اعزام شد. چاپ جدید این کتاب که مشتمل بر عکس‌هایی است که طی سفر این هیئت به ایران توسط مونتابونه گرفته شده همزمان با جشن یکصد و پنجاهمین سال اتحاد ایتالیا است.

در قرن نوزدهم ساوویاس‌ها با احیای ارتباطات فرهنگی و تجاری بین دو کشور با پیشینه کهن، سعی در برقراری روابط سیاسی و تجاری بین دو پادشاهی ایران (قاجار) و ایتالیا داشتند. در نیمه نخست قرن، این تلاش‌ها عمدتاً از طریق میانجیگری‌های یک دیپلمات ایتالیایی و شرق‌شناس آما تور به نام رومیالندو تکو صورت می‌پذیرفت که در استانبول به سر می‌برد.

یک‌بار در سال ۱۸۴۸، که دقیقاً مصادف با به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه بود و سپس در سال ۱۸۵۲ که تکو و میرزا محمدعلی‌خان، به عنوان نمایندگان دو کشور در سابلایم پورت استانبول تقریباً به توافق رسیدند، اما نتوانستند اقدامی اساسی صورت بدهند و این ارتباط از انگیزه‌های شخصی فراتر نرفت و نتیجه‌ای در بر نداشت.^۲ اما چند سال بعد، تصویر عوض شد.

اپیدمی گسترده و از بین رفتن کرم‌های ابریشم پی‌ید مونت و لومباردی لطمه شدیدی به تجارت رو به رشد شمال ایتالیا وارد کرد. همین امر باعث تجدید علاقه ایتالیا به برقراری رابطه با ایران شد، چرا که ایران یکی از کشورهای بود که ایتالیا می‌توانست کرم‌های ابریشم جدید را از آنجا وارد کند.

جیووانی کاپلو، سر کنسول ساردینیایی در استانبول، در ایجاد ارتباط با نماینده پادشاهی قاجار در پایتخت عثمانی می‌کوشید و به دنبال مذاکراتی که در استانبول مستقیماً توسط پی‌یه مونت، وزیر کنسالتین پل، هدایت می‌شد، یک توافق نامه بازرگانی و دوستی به نام «جیاکومو دوراندو» در تاریخ بیست و ششم آوریل ۱۸۵۷ در پاریس توسط فرخ‌خان امین‌الدوله غفاری، نماینده ناصرالدین‌شاه به امضا رسید (۱۸۳۱-۱۸۹۶).

قرار بر این شد که فرخ‌خان سال بعد برای ملاقات با ویتوریو امانوئل و نخست‌وزیر توانا و پرانرژی او، کامیلو بنسو یا همان کنت کاوور، به تورین سفر کند.

در ماده هفت توافق‌نامه ایران و ساردینی گشایش سه دفتر کنسولگری در شهرهای ایران (تهران، تبریز و بوشهر) پیش‌بینی شده بود و دربار قاجار تاکید زیادی بر سفر هیئت دیپلماتیک ایتالیایی به ایران داشت. دلیل این امر، هم بخاطر پرستیژ آن بود و هم به دلیل علاقه پادشاه به توسعه و بهبود روابط با کشورهای اروپایی.

درست در همان سال‌ها، شبه جزیره ایتالیا درگیر حرکت‌های استقلال‌طلبی بود و پادشاهی ساردینیا در حال برداشتن گام‌های سرنوشت ساز به سوی اتحاد ملی بود، بنابراین درخواست ایران در اولویت دستور کار کنت کاوور نبود. اما این سیاستمدار زیرک خیلی زود فهمید

که می‌تواند از این موقعیت بهره بگیرد و به همین سبب دیپلماتی جوان و کارآمد به نام مارسلو چروتی را که در سال‌های بعد به مقام وزارت امور خارجه ایتالیا رسید به بهانهٔ مأموریت دیپلماتیک ایجاد ارتباط با ایران روانهٔ استانبول کرد. اما در واقع این پوششی بود تا او بتواند به استقلال طلبان ماگیار در جنگ علیه هابسبورگ کمک کند.

به هر حال ایران به درخواست خود مبنی بر اعزام نمایندهٔ ساوویاس‌ها به تهران ادامه داد. اما این امر در زمان حیات کاوور محقق نشد. در حقیقت تنها در سال ۱۸۶۲ بود که چروتی به سمت ایران حرکت کرد، یعنی زمانی که شرایط سیاسی عمیقاً دستخوش تغییر و تحولات اساسی شده بود.

هیئتی که در اصل به عنوان یک هیئت تجاری و سیاسی شکل گرفته بود و هدف اصلی‌اش تهیهٔ کرم ابریشم از گیلان بود، حال می‌خواست پرستیژ جدید ایتالیا و نقش سیاسی فزاینده‌اش را به رخ بکشد و بدین ترتیب یک هیئت جدید هجده نفره تشکیل گردید. هیئت قبلی که توسط پروسا [به ایران] اعزام شده بود متشکل از شانزده نفر بود و در بین آن‌ها صاحب‌نظرانی چون جیاکومو دوریا، رییس انجمن جغرافیای ایتالیا، جیاکومو لیگناتا، استاد لغت‌شناسی (۱۸۶۱) و سانسکریت از دانشگاه ناپل (۱۸۶۳-۷۰) و رم (۱۸۷۱-۱۸۸۷)، کامیلو فراتی، استاد ژئودزی از دانشگاه تورین، میشله لسونا، استاد کانیشناسی و جانورشناسی از دانشگاه ژنو (۱۸۵۴)، که بعد استاد جانورشناسی در دانشگاه بولونا (۱۸۶۴) و تورین (۱۸۶۷) شد، و فیلیپو دی فیلیپو، استاد جانورشناسی و آناتومی مقایسه‌ای در دانشگاه تورین، که روایت جالبی نیز از این سفر را از خود به جای گذاشته است، به چشم می‌خوردند.^۲

گروه ایتالیایی از شمال غرب و از طریق گرجستان و ارمنستان وارد ایران شدند، آن‌ها مسیر تفلیس - ایروان - جلفا - مرن - تبریز - میانه - زنجان - سلطانیه - قزوین - تهران را طی کردند تا با شاه در قصر تابستانی‌اش در نیاوران در بیستم آگوست دیدار کنند. روی هم رفته می‌توان این مأموریت را موفقیت‌آمیز تلقی کرد، چرا که افق‌های جدیدی از همکاری را آبه روی دو کشور آشود. اگرچه در بازگشت به ایتالیا هم بخاطر هزینهٔ زیادی که در بر داشت و هم به‌خاطر نداشتن دستاورد سریع و قابل لمس به شدت، مورد انتقاد قرار گرفت. از بعد تجاری در ۲۴ آگوست یک توافق‌نامه جدید تجاری امضا شد که در ۲۹ آگوست چهار ماده دیگر در ارتباط با تجارت کرم‌های ابریشم گیلان به آن اضافه شد، این یک گام خیلی مهم رو به جلو بود، چرا که تا آن زمان چنین امتیازی به کسی داده نشده بود. متأسفانه در سال ۱۸۶۴ کرم‌های ابریشمی که از گیلان وارد شده بودند، به دام ابیدمی که هموعان آن‌ها در لومباردی و پی په مونت را به نابودی کشانده بود، افتادند و عملاً نتوانستند به بحران شمال ایتالیا در تولید ابریشم کمکی بکنند.

اما، اعضا تیم علمی توانستند اطلاعات ارزشمند بسیاری کسب کنند، اگرچه تمام این اطلاعات منتشر نشده است. به هر حال نتایج حاصل از بذری که پاشیده شده بود در حال به بار نشستن بود، از جمله ایجاد اولین کرسی زبان فارسی در دانشگاه ناپل. یکی دیگر از ثمرات کاملاً مهم مأموریت چروتی، آلبوم عکس مونتابونه است که این سفر و زوایایی از ایران دوره قاجار را مستند کرده است. روابط ایران و ایتالیا، همانطور که در سفر ناصرالدین‌شاه به ایتالیا در سال ۱۸۷۳ هم نشان داده شده است، در سال‌های بعد رو به گسترش و بهبود نهاد و نهایتاً به ایجاد روابط دیپلماتیک منظم بین دو کشور منجر گشت. در واقع در سال ۱۸۸۶ ای دی رچی دی دوناتو به عنوان نخستین کاردار ایتالیا در ایران به تهران اعزام شد و ده سال بعد در سال ۱۸۹۶، نریمان خان، اولین دیپلمات ایرانی اعتبارنامه‌اش را تسلیم پادشاه ایتالیا کرد.

کارلو جی چرتی

دانشگاه ساینزآرم